

عنوان مقاله: قبیله جُعی و نقش آن در تاریخ اسلام تا پایان خلافت امویان

نویسنده: مریم سعیدیان جزی

منبع: پژوهشنامه تاریخ اسلام پاییز ۱۳۹۵ شماره ۲۳.

صص ۵-۲۶

چکیده

- قبیله جعفی که یکی از قبایل تاثیرگذار در تاریخ صدر اسلام بود، کمتر مورد تامل و جست و جوی اهل تحقیق قرار گرفته است. به ویژه از این منظر که نشان دهد میزان همبستگی و مواضع فردی و قبیله بنی جعفی در صحنه های مختلف چگونه بوده و این امر تا چه اندازه تحت تاثیر گرایش های عقیدتی ، قومی و قبیله ای قرار داشته است؟

• بررسی و تحلیل منابع نشان می دهد تاریخ این قبیله بیش از هر چیز بر محور اشارف و روسای قبیله قرار داشته و مواضع فردی و قومی آنها تابعی از سه عامل عصبیت قومی، منفعت طلبی و مصلحت اندیشی بود. تفکر جمعی قبیله در صحنه سیاسی و نظامی بیشتر همسو با نظام اجتماعی و دستگاه حکومت بود اما موانع علمی و مذهبی بزرگان و علمای منسوب به آن با گرایش های عراقی و شیعی همسویی داشت. به علاوه آن که برخی از نخبگان در ثبت و ضبط دانش های اسلامی و دگرگونی های فرهنگی- اجتماعی جامعه اسلامی نقش مهمی داشتند.

عصبیت قومی، منفعت طلبی و مصلحت اندیشی

واژگان کلیدی:

- قبيله جعفي، اشرافيت عربي، خلافت امويان، عصبيت قومي، عبیدالله جعفي.

مقدمه

- یکی از موضوعات مهم در بررسی **تاریخ تحولات اسلامی در قرون نخست هجری** تبیین جایگاه و نقش قبایل عرب است. قبیله جعفی تحت تاثیر عواملی چون عصبیت قومی، مصلحت اندیشی قبیله ای و منفعت طلبی فردی، مواضع مختلفی در برابر جریان های فکری فرهنگی اتخاذ کرد. مواضع این قبیله خواه به صورت قومی و خواه اشرافیت قبیله ای، در برابر جریان های عقیدتی مثل تشیع و خوارج و قیام حجر و امام حسین (ع) همسو با سنت های اجتماعی -عربی حاکم بر جامعه اسلامی و در جهت حمایت از سیاست دستگاه خافت و منفعت طلبی اشرافیت قبیله ای بود.

• اهمیت تاریخ نگاری فرهنگی و علمی قبیله جعفری اگر بیشتر از تاریخ نگاری سیاسی و نظامی آن نباشد، کمتر نیست. آنچه بر اهمیت جایگاه قبیله جعفری می افزاید، جایگاه رجال منسوب به این قبیله در حیات علمی و فرهنگی این دوره است در این پژوهش به پرسش هایی ذیل پاسخ داده شده است، مواضع فردی و قبیله ای جعفری نسبت به ظهور اسلام چه بود و اسلام پذیری آن ها چه پیامدهایی به همراه داشت؟ گرایش های سیاسی و اجتماعی مشاهیر جعفری تا چه اندازه با گرایش های عقیدتی و فکری آنان همسو بود؟ بنی جعفری در عرصه های مختلف فکری، فرهنگی چه خدماتی به جامعه اسلامی ارائه کردند؟



تاریخ نگاری سیاسی و نظامی

- با توجه به تنوع مواضع رجال و قبیله جعفری در تاریخ تحولات اسلامی می توان گفت مواضع قبیله جعفری در امور سیاسی و اجتماعی عموماً همسو با سیاست ها و سنت های حاکمان بود و در جهت گیری های فکری و فرهنگی نیز بیش از همه تحت تاثیر عصبیت قومی- قبیله ای، گرایش های عراقی و مقتضیات محیطی- زمانی قرار داشتند.

عصبیت قومی- قبیله ای، گرایش های عراقی و مقتضیات محیطی- زمانی

• اخبار و روایت های مرتبط با قبیله جعفی، بیشتر به واسطه راویان متعلق به این خاندان نقل و بعدها توسط مورخان و نویسندگان اسلامی ثبت و ضبط شده است ابن اعثم کوفی، بلاذری و طبری، مهم ترین و بیشترین سهم را در انتقال اخبار این قبیله دارند. پژوهش هایی نیز درباره قبیله جعفی انجام شده که بعضا با رویکرد روایی و رجالی، به شناسایی جایگاه برخی از رجال آن مانند جابر بن یزید جعفی اختصاص دارد از آن جمله می توان به مقالات زیر اشاره کرد: «جابر بن یزید جعفی، دیدگاه ها و آثار مکتوب او در تاریخ اسلام» اثر حسین مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۳» «جابر بن یزید جعفی» اثر کریمی و طاووسی، ۱۳۸۷.

رویکرد روایی و رجالی

• در این پژوهش ضمن وصف و تبیین جایگاه قبله جعفری، به عوامل و زمینه های حضور تاریخی آنها و پیامدهای فرهنگی و اجتماعی آن با تاکید بر نقش افراد و رجال آن پرداخته شده است. جمع آوری اطلاعات به صورت اسنادی و کتابخانه ای و روش تحقیق مطالعه تاریخی است که با شیوه توصیفی و تحلیل محتوایی و در پاره ای موارد نقد اخبار موجود، با استناد به منابع اصلی در حوزه های مختلف تاریخی، روایی، رجالی، تواریخ محلی و تک نگاری ها انجام گرفته است هدف از پژوهش، تبیین خاستگاه و موقعیت بنی جعفری قبل از اسلام، پیامدهای اسلام پذیری قبیله جعفری، **تحلیل فرهنگ سیاسی - قبیله آنان** و موقعیت بنی جعفری در دگرگونی های اجتماعی و فرهنگی تاریخ اسلام است.

خاستگاه و موقعیت قبیله خاطر پیش از اسلام

- بنو جعف بن سعدالعشیره از قبایل مشهور قحطانی و از شاخه های قبیله مذحج است (زبیدی، ۱۰، ۱۸۲) از جمله طوایف مشهور این قبیله میتوان به بنوفران، بنوکریم، بنوذهل، بنوخداء و بنوبدان اشاره کرد (ابن ماکولا، ۴۰۸/۲، همدانی، صفه، ۱۸۵، ۱۹۱) و اشراف آن در قصرهایی (مخلاف) که با نام خودشان بود، استقرار داشتند (حجری، ۱ / ۱۹۰-۱۸۹)، مدتی پیش از اسلام و در زمان حمیریان، بخشی از قبیله جعفی، مشهور به اعراب ضاحیه، در حیره و مناطق فرات و انبار ساکن شدند (طبری، ۱ / ۴۳۹) بنی جعفی عموماً بت پرست بودند و بتی به نام «فراض» را می پرستیدند (ابن سعد ۱ / ۳۴۲)

• بنی جعفی عموماً بت پرست بودند و بتی به نام «**فرض**» را می پرستیدند (ابن سعد ۱ / ۳۴۲) با این حال بخشی از آن ها که در عراق سکنی یافتند، مسیحی شدند (بلاذری، فتوح، ۲ / ۳۵۱) قبیله جعفی همچنین به واسطه وجود جنگاوران، چابک سواران (ابن حبیب، ۲۳۲) و شاعران متعدد از اعتبار بسیاری در میان اعراب برخوردار بود و به «**بیت الاشعر**» عرب شهرت داشت (محمد احمدوال، ۴۰۴-۳۹۳) غلبه عصبیت قبیله ای و پافشاری اشراف و رجال قبیله جعفی بر سنت های جاهلی و برخورداری از رویه ای ناهمگون با سایر اعراب، از ویژگی های بنوجعفی است.

گروش قبیله جعفی به اسلام

• بنی جعفی به واسطه روایت اخباری در خصوص سیره و مغاری و تشریح چگونگی اسلام پذیر قبیله خود و برخی دیگر از اعراب یعنی سهم مهمی در سیره نگاری دارند. اما اشاره هایی به حضور بنی جعفی در حوادث صدر اسلام را نخستین بار در کتاب طبقات الکبری ابن سعد می توان یافت. به نوشته ابن سعد (۳ / ۳۹۰-۳۹۱) برخی از جعفی ها که هم پیمان (حلیف) بنی عدی (شاخه ای از قریش) بودند، در غزوه بدر در سپاه اسلام حضور داشتند. از این رو مناسبات قبیله جعفی با عمر بن خطاب در دوران خلافتش تماس فراوانی داشتند و حمایت قبیله ای و پیوندهای ازدواج میان آن ها برقرار بود (همان ۲۳۸/۵).

کتاب طبقات الکبری

• در روایتی دیگر به مشارکت ابوخولی عمروبن زبیر جعفی و برادرش مالک، در غزوات دوران رسول خدا (ص) که معلوم نیست کدام است، اشاره شده است (همان ۲۰۰۳ - ۴۹۹) ابن حزم (۴۱۰) نیز نام برخی از رجال جعفی را در زمره اصحاب بدری آورده که به نظر هم پیمانان بنی عدی بوده اند. به هر روی حضور این چند تن جعفی، دلیلی برای اثبات حضور بنی جعفی در حوادث آغازین حیات مسلمانان در مدینه نیست.

• هر چند رفت و آمد نمایندگان قبیله جعفی به مدینه، امکان آشنایی آنها را با اسلام و دعوت رسول الله (ص) فراهم آورد: به علاوه مناسبات دیرینه فرهنگی و تجاری یمن با یثرب به ویژه پس از استقرار رسول الله (ص) در مدینه، امکان پرسشگری و گرایش به اسلام را در مردمان این قبیله فراهم آورد. ابوستبره یزید بن مالک جعفی به همراه پسرانش، عزیر و سبیره - به محضر رسول الله (ص) شرفیاب شدند و آن حضرت نام «عزیر» را به «عبدالرحمن» تغییر داد

مناسبات دیرینه فرهنگی و تجاری یمن با یثرب

• علاوه بر این گروهی از جعفری ها به ریاست «**قیس بن سلمه جعفری**» به دیدار پیامبر (ص) آمدند و حضرت آنان را به یکتاپرستی فراخواندند و تکالیف ایمانی را برایشان ابلاغ کرد. اگر چه به نظر می رسد هدف رسول الله (ص) نفی ضلالت و عصبیت جاهلی و جایگزین کردن آن با ایمان و عمل صالح بود. اما این گروه همچنان اصرار می ورزیدند تا پیامبر رفتارشان را تایید کند. در نتیجه، دعوت رسول الله (ص) را نپذیرفتند و کاروانی را که متعلق به مسلمانان بود، غارت کردند (ابن سعد ۱ / ۳۲۷-۳۲۳). به علاوه پیامبر نامه ای برای سران قبیله جعفری فرستاد. به گفته سوید بن عقله جعفری، سفیر رسول الله (ص) با نامه ای به نزد آنها رفت که در بخشی از آن نوشته شده بود: «لایفرق بین مجتمع و لا یجمع بین متفرق» به واسطه این دعوت، عموم جعفری ها اسلام آوردند (همان، ۶۸ / ۲)

مشارکت قبیله جعفی در فتوح و اسکان در مناطق مفتوحه

- حضور جدی قبیله جعفی در تحولات دوران اسلامی، با آغاز خلافت عمر و مسئله فتوح گره خورده است. چرا که مردان این قبیله به واسطه فراخوان خلیفه دوم (ابن عبدربه، ۱۰/۴) در دو جبهه شام و عراق استقرار یافتند. (ابن جوزی، ۴ / ۲۳۶-۲۳۵) با این که ترکیب حضور اعراب مسلمانان در جریان فتوح به شکل قبیله بوده است (واقدی، ۲۰۳-۲۰۵)

آغاز خلافت عمر و مسئله فتوح

دو جبهه شام و عراق

• اما منابع اشاره به این ترکیب ندارند یا به ذکر نام قبایل مهمی چون مذحج که بنی جعفی منتسب به آن است، اکتفا کرده و از ارائه فهرست طوایف آن خودداری کرده اند (طبری، ۳ / ۵-۶ و ۶۸) با توجه به حضور مشاهیر جمعی در صحنه های مختلف فتوح، تصریح بر نام قبیله در برخی از میدان ها و در نهایت مشارکت گسترده اعراب یمنی در رویارویی با ارتش ساسانی و فتوحات شرقی، می توان دریافت که قبیله جعفی در نخستین فتوح حضور داشته است (یعقوبی ۱۵۱ / ۲)

• دلایل متعدد دیگری هم این ادعا را ثابت می کند. ابن اعثم و طبری تصریح می کنند که ابوسیره بن ذویت جعفی، ریاست قبیله و فرمانده جعفی ها را در فتوح عراق بر عهده داشت و تحت فرمان سعد ابن ابی وقاص بود (ابن اعثم، ۱ / ۱۵۹-۱۵۷. طبری ۳/۴۸۵) بنی جعفی در زمره نخستین گروه اعراب بودند که در نبرد قادسیه به ارتش ساسانی حمله برند (قدسی، ۳۶۹-۲۶۷) علاوه بر این در جبهه شام و در نبرد یرموک حضور یافتند (طبری ۳ / ۴۴۲-۴۴۱) و سوید بن غفله جعفی، از رهبران و فرماندهان آنان بود (مزی، ۱۲ / ۲۶۶)

ابن اعثم و طبری

ابوسیره بن ذویت جعفی

- مردان جعفی به همراه قتیبه بن مسلم باهلی در فتح سعد شرکت کنند (بلاذری فتوح: ۳/۵۱۸/۵۱۹) اما مهم ترین اخبار درباره حضور قبیله جعفی متعلق به لشکرکشی به گرگان و طبرستان است که به واسطه توجه ویژه یزید بن مهلب به اعراب یمنی و واگذاری امور لشگری به برخی از سران جعفی مانند زحر بن قیس و محمد بن ابو سیره جعفی و حضور فعال ابن قبیله در تصرف مکرر گرگان فراهم گردید (طبری، ۵/۲۹۴-۲۹۶)

قتیبه بن مسلم باهلی

- بنی جعفی در فتح سند در سال ۹۳ قمری نیز حضور داشتند. به نوشته بلاذری (فتوح، ۳/۵۳۴-۵۳۵) حجاج بن یوسف، جهم بن زحر جعفی را به عنوان فرمانده مقدمه سپاه محمد بن قاسم بن ثقفی عازم دبیل و سند کرد. جهم که خود از سرداران نظامی دوران اموی بود: از اصفهان به شیراز رفت و از کرمان سیستان عازم سند شد و از مسیرهای خشکی و راه های آبی بهترین استفاده را برد. وی همچنین وظیفه نظارت بر اسکان قبایل و ساخت مسجدی در سند را برعهده داشت.

فتح سند

نظارت بر اسکان قبایل و ساخت
مسجدی در سند

- حضور قبیله جعفی در فتوح اسلامی از چند جهت حایز اهمیت است. بسیاری از اخبار مرتبط با فتوح و اسکان اعراب از طریق رجال این قبیله روایت و در منابع تاریخی و اسلامی ثبت و ضبط شده است. از سویی لازمه توسعه ارضی و حفظ مناطق مفتوحه، حضور فعال فاتحان عرب مسلمان در محدوده مرزهای اسلامی ثبت و ضبط شده است.

از طریق رجال این قبیله

• از سویی لازمه توسعه ارضی و حفظ مناطق مفتوحه، حضور فعال فاتحان عرب مسلمان در محدوده مرزهای اسلامی و پیرامون آن بود. سیاست اسکان اعراب که از زمان خلیفه دوم آغاز شده بود، اسباب استقرار اولیه قبایل عربی را در مناطق مفتوحه اسلامی فراهم آورد. بیشترین تمرکز جغرافیایی انسانی قبیله جعفی در شهر کوفه بود (سمعانی، ۵ / ۲۹۶-۲۹۵) و بیشتر به واسطه سکونت چهار تن از صحابی رسول الله که از مشاهیر این قبیله بودند- مورد توجه قرار گرفتند (خلیفه، ۲۲۷-۲۲۶)

- به استناد خبر بلاذری سعد ابن ابی وقاص، قبیله جعفی را ذیل مذحج و همراه با دو قبیله اشعر و طی، در بخش های مهم کوفه اسکان داده شدند (بلاذری، انساب، ۲ / ۱۴۴-۱۴۵ مهم ترین سکونتگاهی قبیله جعفی پس از کوفه عبارت بود از جزیره (ابن سعد، ۶ / ۲۷۶-۲۷۷) خراسان و سیستان (سمعی، ۵/۵۷۱) سد و مرزهای غربی شبه قاره هند (بلاذری فتوح، ۳/۴۴۵)، اصفهان (اصبهانی، ۱/۲۷۰ و مصر (خلیفه، ۱۳۴. این یونس، ۱/۱۱۱، ۲/۲۲۰)

- در قرون بعد رجال و مشاهیر جعفی به واسطه کسب موقعیت برتر اجتماعی یا حشر و نشر یا اهل علم و ادب، به مناطق دیگر مهاجرت کردند (خطیب، ۱۴ / ۷۹، ابن نجار ۱۲۱/۲ ، مزی ۱ / ۴۸۳) بخارا (همان، ۱۱۵) و مرو (همان ۱ / ۳۲۴، ۴۹۱، ۴۹۹) تایید می کند (نیز نگاه کنید به صفری ۲۰۹)

کسب موقعیت برتر اجتماعی یا حشر و نشر یا اهل علم و ادب

تعامل قبیله جعفی با خلفا و حکمرانان

• جعفی ها در فتوحات دوره خلیفه دوم، نقش داشتند. گزارش هایی نیز در دست است که بیانگر همسویی جعفی ها با امام علی (ع) در صحنه های مختلف است. هر چند این گزارش ها دلیلی بر گرایش های شیعی آنها نیست. زحر بن قیس جعفی از طرف امام علی (ع) ماموریت یافت تا والی همدان و مردم آن را برای بیعت با آن حضرت ترغیب کند (منقری، ۱۵). به نوشته ابن اعثم (۵۰۱، ۵۰۲-۲) زحر در سخنانش فضایل علی (ع) را بازگو کرد و این بیعت را سبب تقویت پایه های قدرت خلافت و اقتدار بیشتر آن حضرت دانست. وی در نبرد جمل نیز از جمله افرادی بود که باور داشتند علی (ع) وصی رسول الله (ص) است (ابن ابی الحدید، ۱ / ۱۴۳-۱۵۰)

زحر بن قیس جعفی

• در جریان حکمیت اگر چه خواستار صلح بود (ابن قتیبیه، ۱ / ۱۴۸) اما در دومه الجندل حضور یافت (طبری، ۵ / ۶۸-۶۷) وی در دفع غارات معاویه نیز مشارکت داشت (خطیب بغدادی، ۸ / ۴۸۹-۴۹۰) و همزمان با شهادت امام علی (ع) در مدائن بود (بلاذری، انساب، ۲ / ۵۰۲-۵۰۳) و به روایتی علی (ع) او را برای تامین امنیت این منطقه در مقابل حملات شامیان فرستاده بود (خطیب، ۸ / ۴۸۸) در روایتی دیگر، وی حاکم مدائن دانسته شده است (ابن حجر، ۲ / ۶۳۱)

- پس از شهادت علی (ع) امام حسین (ع) نامه ای برای رحر فرستاد و ضمن اعلان موقعیت خود، او را مامور کرد تا با همراهانش با امام بیعت کند (خطیب، ۴۸۸/۸، ابن اثیر ۸۳/۴) گزارشی درباره واکنش زحر به نام امام موجود نیست. همچنین درباره زنان و چگونگی پیوستن رحر به دربار امویان خبری یافته نشد. برخی به جاه طلبی و زیاده خواهی رحر اشاره کرده اند (مقری، ۴۰۸) ابن قتیبه : ۱۳۷/۱

• همراهی زحر با امام علی (ع) مانند بسیاری دیگر از روسا و اشراف عربی به واسطه مصلحت اندیش قبيله ای و شاید هم عصبیت وی نسبت به عراق در مقابل شام بوده است. سوید بن عقله بن عوسجه از دیگر نام آوران جعفی است در نبرد صفین امام علی (ع) را همراهی کرد (ابن سعد، ۶۸/۸) نام وی در منابع رجالی شیعه در ردیف یاران اهل بیت (ص) و اصحاب ایشان آمده است (طوسی، رجال، ۹۴)

**مصلحت اندیش قبيله ای و شاید هم
عصبیت وی نسبت به عراق در مقابل شام**

- به نوشته ابن سعد (۲ / ۲۳۲-۱۳۲) سوید امام جماعت و رئیس قوم خود بود تا اینکه حجاج او را برکنار کرد. قبیله جعفری امام جماعت و رئیس قوم خود بود تا این که حجاج او را برکنار کرد. قبیله جعفری افزون بر همراهی یا امام علی (ع) در دو نبرد جمل و صفین در دفع شورش ناحیه خَرَبَتَا و دفع غارات معاویه در عراق حضور کارسازی داشتند. (طبری ۳ / ۵۵۷: کندی ۲۱-۲۴)

امام جماعت و رئیس قوم خود

سوید بن عقله
بن عوسجه

- در دوره امویان، جعفی ها بیش از پیش درگیر مسائل سیاسی و نظامی شدند. عرب گرایش بنی امیه و برپاداشتن جنگ قبیله ای میان عرب و غیر عرب، تفاخرات قومی و جاه طلبی موجب می شد که روسای قبایل و نام آوران و جنگاوران عرب برای کسب منافع مادی و اجتماعی بیشتر، جذب آنها شوند.

تفاخرات قومی و جاه طلبی

برخی از برجسته ترین زمینه های همکاری اشراف و روسای جعفری با بنی امیه به قرار زیر است:

۱- تثبیت و تحکیم خلافت اموی

بنی امیه همواره از جایگاه و نام عثمان برای دست یابی به قدرت و از میان برداشتن مخالفان استفاده می کردند. عبیدالله بن حر جعفری یکی از اشراف عراق بود که ادعای خون خواهی عثمان داشت و به این سبب از نمایندگان و هواداران بنی امیه در عراق به شمار می رفت وی در روزگار خلافت امام علی (ع) به همین دستاویز به معاویه پیوست (ابن حزم، ۴۱۰) خوی تجاوز طلبی عبیدالله بت جاه طلبی عصبیت عربی و گرایش ضد شیعی او پیوند عمیقی داشت. به همین جهت زمانی که امویان، امیدی به بازگرداندن عراق و فرمانروایی آن نداشتند. عبیدالله زمینه را فراهم و خود را پیش مرگ آنها کرد.

● به نوشته طبری (۵ / ۱۱-۱۲) هنگامی که عبدالملک بن مروان بر زبیریان چیره شد. نخستین گروه های عرب یکه با وی همراهی کردند. اشراف جعفی در کوفه بودند. بزرگان جعفی در تحکیم پایه های قدرت بنی امیه در ولایات نیز نقش فعالی ایفا کردند. به نوشته کندی (۴۱-۴۷) مروان بن حکم برای دستیابی به مصر و اداره آن، طرح نزدیکی به اشراف و روسای قبیله را ریخت که زفر بن حارث جعفی از آن دسته بود. زفر، پس از این نزد مروانیان اعتباری بلند یافت (ابن یونس، ۱ / ۳۲۷) و با کارگزاران آنها همکاری کرد (ابن عساکر، ۶۱ / ۲۴۵-۲۱۴) مقریزی، ۴ / ۵۱۶)

دستیابی به مصر و اداره آن

● قبیله به طور حتم در رویارویی با حجر قرار داشت با توجه به ماهیت عدالت جویانه و حق طلبانه این جنبش، بزرگان جعفی هواخواه امویان در جهت نشان دادن همسویی و همبستگی با حکومت بنی امیه و ایجاد پشتگرمی و تامین آسودگی فردی و قومی خود در عراق با آنها ستیز کرده و یا بر انگیختن عواطف قومی و فشار افکار همگانی زمینه های پراکندگی آن ها را فراهم آوردند. این مهم بیش از هر چیز با روحیه منفعت طلبی، خودمحوری و قبیله گرایی عربی قرائت داشت و از این رو تقویت بنی امیه و گروه های وابسته به قدرت از پیامدهای آن به شمار می رفت.

روحیه منفعت طلبی، خودمحوری و قبیله گرایی عربی

• به عنوان نمونه در جریان مقابله با حجر، استشهادی علیه وی فراهم آمد که در میان امضاکنندگان آن نام کریب بن سلمه، عبدالرحمن ابی سبره، و زحر بن قیس از بنی جعفی به چشم می خورد (طبری، ۴ / ۲۰۱، بلاذری، انساب ۵ / ۱۵۹-۱۶۰) بر اساس این متن، شاهدان تایید کردند که حجر علیه عثمان سخن گفته، خلیفه را خلع کرده به خدا کفر ورزیده (همان، ۵ / ۲۵۴) و مردم به فتنه جویی و شکستن بیعت با خلیفه دعوت کرده است (طبری، ۵ / ۲۷۰-۲۶۹)

استشهاد

۲- موانع دوگانه بنی جعفی در قیام امام حسین بن علی (ع)

- مواضع فردی و قبیله ای جعفی در این حماسه پرشکوه دو سویه بود چرایی این امر را باید در پیشینه سیاسی و جهت گیری های فکری این قبیله جست که در جهت همراهی با امویان و پاسداری از روح قبیله ای و در قالب عثمانی گری نمود یافته بود از سویی مواضع فردی جعفی ها هم دو سویه بوده و برخی از بزرگان این قبیله با این قیام، همراهی و گروهی دیگر در زمره فرماندهی عراق، در برابر آن حضرت بودند.



● مردان جعفری همراه با امام حسین (ع) از نام اوران عراق بودند و گرایش های شیعی آنها اعم از شیعه سیاسی و عقیدتی آشکار و اهل بیت پیامبر (ص) را به عنوان جانشینان منصوص ان حضرت و واجب الاطاعه می دانستند. این گروه افزون بر همکاری در حماسه ظلم ستیز آن حضرت، در زمره شهدای کربلا قرار داشتند. شناخته ترین ایشان حجاج بن مسروق جعفری است که با شنیدن خبر خروج امام حسین (ع) از مدینه، از کوفه رهسپار حجاز شد و آن حضرت را در سرای بنی مقاتل دیدار کرد.

جانشینان منصوص ان حضرت و واجب الاطاعه

• حجاج از سوی امام مأموریت یافت تا عبدالله بن حر جعفی را که - از کوفه خارج شده بود- به سوی آن حضرت دعوت کند (ابن اعثم، ۵ / ۷۳). ولی عبیدالله، حجاج را باز گرداند و گفت من به خاطر اکراهی که داشتم از کوفه بیرون آمدم (طبری، ۴ / ۳۰۷) عبیدالله به گرایش های عثمانی، از همراهی با امام سر باز زد. حجاج همچنین، موذن امام در راه کوفه بود (همان ۴ / ۳۰۳) وی سرانجام در عاشورای سال ۶۱ هجری در نبرد باکوفیان به شهادت رسید (ابن اعثم، ۵ / ۱۰۹) زید بن معقل (امین، ۷ / ۳۰۰) و به قولی یزید بن مغفل مذحجی جعفی (صفری، ۲۹۴)، عمرو بن مطاع (ابن اعثم، ۵ / ۱۰۷) و یزید بن مهاجر (خوارزمی، ۲ / ۲۰) از دیگر شهدای جعفی در این حادثه بودند.

• با وجود همراهی برخی از جعفی ها به امام حسین بن علی (ع) مواضع قومی و اشرافیت قبیله ای در رویارویی با آن حضرت قرار داشت. نخستین خبر درباره زحر بن قیس جعفی - یکی از روسای جعی است که از سوی عبید الله بن زیاد ماموریت داشت تا مانع پیوستن کوفیان به امام شود (همدانی، الاکلیل، ۱۰۰) مواضع قبیله جعفی نیز پیرو اشرافیت قبیله ای بود و عبدالرحمن بن ابی سبره جعفی فرماندهی آنها را در میدان کربلا بر عهده داشت (ابن اعثم، ۹۱/۵-۹۰، طبری ۴۲۲-۴۳۲/۵) به علاوه نام ابوالخندق جعفی، سالم بن خيثمه جعفی، صالح بن وهقب جعفی (طبری، ۳۴۴:۴) و قشعم بن عمرو بن یزید جعفی در زمره قاتلان امام حسین (ع) دیده می شود (ابن اعثم، ۱۱۷/۵)

۳- همراهی وهب بن ربه جعفی با جنبش توابین

- اخباری از حضور قبیله جعفی در قیام توابین در دست نیست. تنها ابن اعثم (۲۱۴/۶-۲۱۵) از فردی به نام وهب بن زمعه جعفی نام برده که در هواداری از سلیمان صد خزاعی، گروهی از شیعیان کوفه را جمع کرده و طی خطابه ای افزون بر آشکار ساختن جایگاه الهی و عصمت اهل بیت (ع) احساس شرمساری خود را از عدم همراهی با امام حسین (ع) ابراز کرد. نیز از مردم خواست تا با عبرت از گذشته، انتقام خون های ریخته شده در کربلا را از کشندگان آنها بگیرند.

سلیمان صد خزاعی

۴- تقابل اشراف قبیله ای با حرکت مختار ثقفی

- با توجه به مواضع قبیله جعفری در قیام امام حسین (ع) و دیگر جنبش های اجتماعی همسو با آن، **نبود قراین و شواهدی مبنی بر همراهی این قبیله با مختار و هم زمانی شورش عبیدالله جعفری با قیام مختار**، به نظر می رسد مواضع اشراف و رهبران این قبیله بیشتر در جهت تقابل با مختار بوده باشد. طبری (۴۹۸/۴ - ۴۹۹) از حضور فعال زحر بن قیس جعفری در بسیج قبایل در برار مختار در جنگ های کوفه و نبرد سبیع خرب می دهد. به استناد همین گزارش می توان دریافت که اقدام زحر در هواخواهی از امویان و پشتیبانی از حمیت عربی بود که با ظهور مختار آسیب دیده بود(همان، ۵۱۹/۲ - ۵۲۰) با این حال فرزند زحر، فرات، در نبرد سبیع به دست سپاهیان مختار کشته شد(همان ۵۲۴/۲)

۵- شورش عبیدالله جعفی

- عبیدالله بن حر از اشراف و نامداران عراق بود (ابن اعثم ۲۶۹/۶-۲۷۰) و به گرایش های عثمانی شهرت داشت. (ابن خلدون، العبر، ۱۸۶/۳) بررسی احوال وی روشن می سازد که عبیدالله فردی زیاده خواه و منفعت طلب بود (همان، ۳ / ۳۳۲ - ۳۳۱). تعصب عربی - قبیله ای داشت و از موالی، عجم و ایرانیان به شدت بیزار بود (همان، ۱۸۷/۳) قاتل به فرمان بری و پیروی از یک فرد یا حکومت خاصی نبود و هیچ یک از استانداران عراق را شایسته گردن نهادن نمی دانست (بلاذری، انساب ۳۵/۷)

• از این رو همراهی کوتاه مدتش با حکام عراق، تنها برای کسب جایگاه و منافع بوده است. زمانی با زبیریان همساز شد (ابن اعثم، ۲۷۶/۶)، چند صباحی هم با مختار بود (طبری ۱۲۹/۶) و سرانجام با مروانیان بیعت کرد. (بلاذری، انساب، ۳۷/۷) عبیدالله در برابر قیام حجر و امام حسین **بی طرفی** پیشه کرد. هنگامی که امام حسین (ع) او را به یاری فراخواند، خودداری کرد (طبری، ۴۰۷/۵) سرانجام به عنوان پیش قراول سپاه مروانیان در نبرد با فرماندار زبیری کوفه شکست خورد و کشته شد.

• و به گفته ابن کثیر (۲۹۴/۸) «استراح الناس منه». کشته شدن عبیدالله دستاویزی شد تا شامیان به عراق حمله کنند و بار دیگر قدرت امویان در این بخش فراخ شود (ابن اعثم، ۶/۲۹۰-۳۱۶) حرکت جعفری بیشتر از هر چیز به آشوب و هرج و مرج و جاه طلبی شباهت داشت که ره آورد نبود آرامش سیاسی و پیدایش جنبش های ناهمسان اجتماعی در عراق بود و از یان رو با دگرگونی اوضاع قلمرو اسلامی و احیا دوباره قدرت امویان فروکش کرد. اقدام جدی عبیدالله که مایه ترس مردم و حاکمان شد. ربودن دارایی های مردم و ویرانی شهر ها و روستاهای عراق و بخش هایی از ایران بود (ذهبی، سیر، ۵/۶۵)

آشوب و هرج و مرج و جاه طلبی

- به نوشته دینوری (۲۹۷) همزمان با پیروزی مختار در کوفه، عبیدالله در جبال و دیلم به سر می برد. مواضع قبیله جعفی در رویارویی با شورش عبیدالله به دو گونه بود: جنگاوران جعفی با او همراهی کرده و اشراف قابل تحرکاتش را مایه آسیب رساندن به جایگاه و منافع قبیله ای خود می دانستند (نگاه کنید طبری، ۱۲۸/۶)

جبال و دیلم

۶- تعامل با دولت آل زیبر

- مواضع قبیله جعفی در برابر دولت زبیریان دارای دو رویه همراهی و رویارویی بود. اشارف و جنگاوران قبیله جعفی برای پا گرفتن دولت زبیریان کوشش بسیاری کردند. حرکت مختار و سیاست او در همدلی با موالی، خشم روسای قبایل را برانگیخت و آنان را در پیوستن به مصعب بن زبیر تحریک کرد: به نوشته ابن اعثم (۳۲۷/۶ - ۳۲۸) زحر بن قیس برای ستیز با مختار به مصعب پیوست. بنی جعفی همچنین در اداره ولایات سر سپرده با زبیریان همکاری داشتند. عبیدالله بن اوس جعفی (همان، ۲۳۳) و جراح بن حصین جعفی از این نمونه اند (ابن حزم، ۴۰۹)

• و پیوند منافع سیاسی زبیری با منافع اشراف و روسای قبایل دیری نپایید و تذبذب قبیله گرایي و تحركات هواداران اموی، پایه های دولت زبیری را در عراق سست کرد. در این زمینه نیز همانند بسیاری دیگر از دگرگونی های اجتماعی عراق، چرخش قبایل به سود امویان خاتمه یافت و کسانی چون زحر بن قیس در بسیج نیروها و احیاء دوباره قدرت آنان نقش بسزایی ایفا کردند(طبری، ۶۰۴/۵)

زحر بن قیس

• این پیش آمد از دیدگاه مورخ تیز بینی چون ابن اعثم هم مغفول نماده است. به گزارش وی هم زمان با پویایی آل زبیر در عراق، هواداران اموی با برانگیختن قبایل و در پیش گرفتن سیاست دوگانه در برابر حکام عراق، امکان حضور دوباره امویان را در عراق فراهم کردند(ابن اعثم ۳۲۷/۶ - ۳۲۸) اقدام جراح بن حصین جعفی در واگذاری وادی القری به امویان (ابن حزم ۳۲۷ - ۳۲۸/۶) در این میان امیان فرصت یافته و با تحریک عصبیت قبیله اعراب و رقبای خود پیروز شدند(ابن حبیب، ۴۹۲)

واگذاری وادی القری به امویان

۷- مواضع چندگانه قبیله جعفری در برابر سه حرکت ابن اشعث، آل مهلب و خوارج

- قبیله جعفری نسبت به شورش ابن اشعث کندی و آن مهلب، دو موضع متناقض همراهی و درگیری داشت. (ذهبی، سیر، ۷۱/۴ - ۷۲) در این دو رویداد، مواضع اشراف و روسای جعفری، بزرگان و نام آوران علمی و مذهبی آن، تعارض داشت. به علاوه گرایش های سیاسی و زمینه های اجتماعی حاکم بر عراق و جاه طلبی کارگزاران اموی و عصبیت قبیله ای و مصلحت اندیشی قومی، مانع اتحاد مواضع روشن از سوی قبیله جعفری شده بود. برای مثال گروهی از اشراف و روسای قبیله، بیشتر به واسطه عصبیت و ناخشنودی از سیاست های تبعیض گرایانه امویان، از ابن اشعث پشتیبانی کردند. برخی دیگر از مشاهیر عراق به وی پیوستند. از این میان می توان به خيثمه بن عبدالرحمن جعفری (خلیفه، ۲۶۷) و جبله بن زحر بن قیس جعفری اشاره کرد.

• جبله سرپرستی قاریان سپاه ابن اشعث را بر عهده داشت (طبری، ۱۵۸/۵) و در «دیر جماجم» به فرمان حجاج، کشته شد (ابن حزم، ۴۰۹) در مقابل برخی دیگر از اشراف جعفی در هواداری از امویان کوتاهی نکرده و با همکاری شامیان، غوغای ابن اشعث را از بین بردند. چنان که فرماندهی بخشی از سپاه عراق و شام بر عهده یکی از رجال جعفی بود (طبری، ۸۰/۵ - ۸۲) برخلاف شورش ابن اشعث مواضع قبیله جعفی، همراهی با شورش آل مهلب و در مقابل امویان عراق بود (طبری، ۵۹۱/۶ - ۵۹۵. سهمی، ۴۹)

- مواضع فردی و قبیله ای جعفی در تقابل با خوارج قرار داشت، خوارج روحیات بدوی داشتند که با روحیات شهری جعفی ها در تعارض بود. **از سوی دیگر گرایش های عقیدتی - سیاسی قبیله جعفی، مانع همراهی و هواداری آنها با خوارج می شد.** در نتیجه جنگاوران، اشراف و موالی جعفی در رویارویی جدی با خوارج بودند و شاید به همین سبب بود که والیان عراق و ایران بیشتر از فرماندهان این قبیله، برای دفع شورش خوارج در عراق و ایران بهره می بردند. زحر بن قیس و ابوسیره - جعفی از این جمله بودند (طبری، ۹۲/۶ - ۹۳، ۱۹۷)

۸- مواضع دوگانه بزرگان جعفری در برابر دعوت عباسی

- منابع موجود گزارش های کمتری از حضور بنی جعفری در دعوت عباسی ارائه داده اند. با این حال به چگونگی حضور و همراهی، رهبران جعفری با عباسیان اشاره هایی رفته است. این همراهی از همکاری در میدان مبارزه فرهنگی و افشاگری مشاهیر جعفری در برابر امویان تا حضور در سپاه عباسی و جنگ با امویان در عراق را شامل می شود. افشاگری جابر بن یزید جعفری علیه امویان و بیان مثالب و فجایع آنان از این جمله است (یعقوبی، ۳۴۴/۲) همچنین است اخباری درباره موعود و منجی و مهدی که از طریق حسین جعفری روایت می شد (مروری، ۱۱۸، ۴۰۳)

افشاگری مشاهیر جعفری

- این حضور اگر چه به ویژه درباره جابر جعفی الزاما به معنای تایید عباسیان نبود ولی عباسیان از آن بهره ای تمام بردند. افزون بر این سخنگوی **قحطبه بن شیب** در گرگان فردی به نام **«السری الجعفی»** بود که مردم را با شعار الرضا من آل محمد به مقابله با امویان فرا می خواند (اخبار الدوله العباسیه، ۳۳۰-۳۲۹)

جایگاه قبیله جعفری در میدان های علمی و فرهنگی

- قبیله جعفری در حیات علمی و فرهنگی به ویژه تالیف آثار متعدد، نقش مهمی داشتند. نام بزرگان جعفری در متون رجال، روایی، حدیثی و تاریخی بسامد زیادی دارد.
- برخی از بزرگان جعفری از پایه گذاران مکاتب فقهی، حدیثی و تاریخی اسلامی هستند (طوسی، رجال، ۱۵۵-۳۲۷) و در برخی شاخه های علوم اسلامی اعم از حدیث، سیره، فقه، تاریخ، قتن و ملاحم، شعر و ادب و خطابه آثار فراوانی توانسته اند (خوئی ۹۹/۱۲ . ۲۲۷/۲۰، ۴۱۸)

- حیات علمی کوفه در قرون نخستین اسلامی بر پایه دیدگاه صحابه از جمله **عبدالله بن مسعود** (ابن حجر، ۵۷/۱-۵۸) و گرایش به اهل بیت (ع) یا تشیع پایه گذاری شد و نام بزرگان جعفری در هر دو گروه دیده می شود. (ابن شیه ۱۰۰۶/۳-۱۰۰۷. احمد بن حنبل ۵۷۵-۵۷۶) همچنین از مجموع اصحاب ائمه (ع) و روایت شیعی که طوسی در دو کتاب خود آورده است. ۱۲۷ تن پسوند «الجعفری» دارند که ۳۲ تن آنها از موالی این قبیله هستند (طوسی، رجال، ۳۲۷-۱۵۵، همو، الفهرست، ۱۴۹)

• برخی از بزرگان جعفری از صحابه رسول الله (ص) و تابعان سرشناس بودند و در مسائلی چون مصاحف و املاي قرآن آراء مشهوری داشتند. قیس بن مروان از جمله این افراد است. وی صحیفه ای داشت که آن را در جزیره آموزش می داد (ابن سعد، ۱۴۶/۶) همچنین است طراق بن زیاد جعفری که از روای حدیث بود و پس از سال ۱۰۰ از دنیا رفت (صفری، ۳۰۹) زهیر بن معاویه (همان، ۳۵۴) ابوسیره و فرزندانش (ابن ابی العاصم ۴۲۵/۴ - ۴۲۶)، خراش ابوسلمه (همان ۴۳۱/۴) و حسین بن علی از نام آوران تابعان منسوب به این قبیله هستند (خلیفه ۴۹۲ - ۳۸۷)

• از میان فهرست گسترده ای از بزرگان جعفری که در منابع رجالی و روایی آمده، برخی از نام آوران شیعی آن ها عبارتند از : جابر بن یزید جعفری (م ۱۲۴ هجری) از پیروان و یاران امام باقر(ع) و امام صادق (ع) که آثار متعددی در حدیث و روایت و فقه و مقتل منسوب به او است (طوسی، اختبار ، ۴۴۰/۲) سوید بن غفله، پرآوازه در حدیث و روایت و از اصحاب امام علی (ع) و امام حسن بن علی (ع) (همو، رجال، ۹۴) حصین بن علی، نامی در روایت و فقه و از اصحاب علی (ع) (وکیع، ۴۲۰/۲)

حصین بن علی

- خيثمه بن بن عبدالرحمن (خليفه، ۲۶۵-۲۶۷) و عبدالله بن محمد جعفي كه در روايت و حديث مشهور بوده اند (طوسي، رجال، ۱۲۵-۱۴۵) برخي از مردان جعفي مورد توجه روايت و محدثان بودند و «مسند» (نجاشي، ۱۱) يا ثقه به شما مي رفتند از آن جمله مي توان به عمرو بن شمر جعفي اشاره كرد كه داراي گرايش هاي شيعي بود (ذهبي، ميزان الاعتدال، ۲۶۸/۳) همچنين ابراهيم بن نصر جعفي كوفي كه شيخي بود و نجاشي (۲۱) از او با عبارت «**ثقه صحيح** الحديث» ياد کرده است.

- برخی از بزرگان جعفری همچنین از روات مشهور سیره و مغازی به شمار می آمدند و برخی از نخستین تک نگاری های تاریخی منسوب به آنها است (برای نمونه نگاه کنید، ابن سعد، ۳/۳۷۰) خطیب بغدادی : ۱/۱۵۹)

- حضور مردان جعفری در عرصه فقاہت و صدور فتوا هم قابل توجه است . از سرشناس ترین این افراد می توان به حارث بن قیس و سوید بن غفله از فقہای زمان امام علی (ع) و معاویہ (یعقوبی، ۲۴۰/۲)، خیثمہ بن عبدالرحمن هم زمان با ایام امارت حجاج در عراق (ذہبی، سیر، ۳۲۰/۴) و ابر بن یزید از فقہا شیعی هم دورہ با سرنگونی امویان و روی کار آمدن عباسیان، اشاره کرد (یعقوبی، ۳۶۳/۲ ، ۳۴۸)

حارث بن قیس و سوید بن غفله

• برخی از بزرگان جعفری از منزلت اجتماعی برخوردار بودند و افزون بر بلندآوازی به پارسایی و فرهیختگی (مزی، ۴۵۳/۶ - ۴۵۴) در کارهایی چون دآوری، امام جماعت و آموزش و تربیت مشهور بودند از بلند آوازگان داوران ابوعبدالله جعفری است که نجاشی با عبارت القاضی از او اخبار فراوانی درباره بزرگان شیعی نقل کرده است. (نجاشی، ۱۴، ۲۲۳) همچنین ابن سعد (۶۸۰/۳) در یادآوری عمرو بن شمر جعفری، از وی با نام قاضی و امام جماعت مسجد جعفری در روزگار منصور یاد کرده است.

دآوری، امام جماعت و آموزش و تربیت

- مردان جعفی علاوه بر این در شعر و خطابه هم فعالیت داشتند و از نامداران سخنوری و خطابه به شمار می آمدند (ابن سعد، ۳۰/۶)، از جمله شاعران معروف این قبیله، عبیدالله بن حر الجعفی است (نجاشی، ۹)

نامداران سخنوری و خطابه

- بزرگان جعفری در خدمات همگانی و عمرانی هم همکاری داشتند. **چنانکه برخی از ساختمان ها و راه های گرگان منسوب به آنها است** مبارک بن مکرمه جعفری، از نامداران عراق فرمان داد تا چاهی را در کوفه به نام بئر مبارک حفر کنند (بلاذری، فتوح، ۲/۳۴۹) قبیله جعفری دارای مسجدی در کوفه بودند که امام علی (ع) از آن به عنوان مسجدی مبارک یاد کرده است (صفری، ۱۴۱)

بئر مبارک

نتیجه

- حضور جدی قبیله جعفی در تاریخ تحولات اسلامی با فتوح اسلامی و اسکان در عراق و مناطق مفتوحه آغاز و با همکاری فعال در دگرگونی های سیاسی و اجتماعی روزگار اسلامی به اوج خود رسید. مواضع قبیله جعفی در رویدادهای تاریخ اسلام در قرن نخست هجری، پیوستگی مستقیم با چگونگی اسلام پذیری، سکونت در مناطق مفتوحه و تاثیرپذیری از پیش آمدهای اجتماعی- سیاسی و نظام واره فکری و رفتاری قبیله گرایی آنها داشته است. خودداری بنی جعفی از همراهی با جنبش های اجتماعی - اصلاحی و جریان های عقیدتی مشهور بیانگر برتری منافع قبیله ای و عصبیت عربی، نزد این قبیله است.

نظام واره فکری و رفتاری قبیله گرایی

• در این میان مواضع اشراف و روسای قبیله ای، جنگاوران و برگزیدگان این قبیله افزون بر تاثیرگذاری مستقیم بر طوایف و خاندان های آن در جهت دهی دگرگونی های مهم اجتماعی و فکری تاریخ اسلام و ایران نقش به سزایی داشت. اهمیت تاریخ نگاری فرهنگی و علمی قبیله جعفری اگر بیشتر از موقعیت سیاسی و اجتماعی آن نباشد. کمتر از آن نیست. با توجه به آنکه بنی جعفری بیشتر در عراق و به ویژه کوفه ساکن بودند، **شناخت ابعاد حضور فرهنگی و علمی این قبیله** وابسته به درک جریان های فکری و فرهنگی موجود در این مناطق است. بر این اساس بزرگسال و دانشمندان جعفری دارای اندیشه علمی و جهت گیری های ناهمسانی بودند و بیشترین پیوستگی آنها با تشیع و در جهت شنر و توسعه معارف اهل بیت(ع) بود